

اخبار حوادث

عضو شورای شهر رودهن دستگیر شد

رئیس حوزه قضایی بخش رودهن گفت: یکی از اعضای شورای شهر رودهن به اتهام اخذ رشوه دستگیر شد. حجت الاسلام تقیان رئیس حوزه قضایی بخش رودهن از دستگیری یکی از اعضای شورای شهر رودهن به اتهام اخذ رشوه خبر داد. وی افزود: متهم با قرار بازداشت موقت روانه زندان شده است. گفتنی است این پرونده در شعبه ۱۰۳ دادگاه عمومی رودهن در حال تکمیل تحقیقات است.

قتل یک راننده کامیون در روستای مرزی آبادان

۲ پسر روستایی برای پایان دادن به اختلاف قدیمی دست به قتل مسلحانه پسرعمویشان در روستای رمیله آبادان زدند. روز دوشنبه ۳ ماموران پلیس آبادان در جریان کشته شدن مرد در کنار کامیونش در روستای مرزی رمیله در اطراف آبادان قرار گرفتند و تیمی از ماموران برای دستگیری عامل این جنایت وارد عمل شدند. ماموران با حضور در صحنه جرم با جسد راننده کامیونی روبرو شدند که هدف ۳ گلوله مرگبار با تفنگ کلت کمتری قرار گرفته بود. تحقیقات پلیسی نشان از آن داشت که ۲ مرد موتور سوار در حالیکه صورتشان را با پارچه ای بسته بودند اقدام به تیراندازی به سمت راننده کامیون کرده و پس از قتل پا به فرار گذاشته اند. تجسس های پلیسی ادامه داشت تا اینکه مشخص شد ۲ پسر عمومی راننده کامیون پس از جنایت ناپدید شده اند و همین کافی بود تا ماموران دایره جنایی پلیس آگاهی آبادان به ۲ پسر جوان مظنون واقدامات اطلاعاتی و فنی را برای دستگیری ۲ مظنون پرونده آغاز کردند. ردیابی های پلیسی ادامه داشت تا اینکه شاگام پنجشنبه ۶ دی ماه سال جاری کارآگاهان با اقدامات فنی موفق به شناسایی مخفیگاه ۲ مرد فراری شدند و عملیاتی غافلگیرانه ۲ پسر عمومی راننده کامیون در مخفیگاهشان دستگیر شدند. ماموران در بازرسی از مخفیگاه متهمان تفنگ کلت کمتری و موتورسیکلتی که با آن پای در صحنه جرم گذاشته بودند به دست آمد. ۲ مرد جوان که راهی جز اعتراف پیش روی خود نداشتند اذعان کردند به خاطر اختلاف قدیمی که با پسرعمویشان بر سر زمین و خانه بود تصمیم به قتل او گرفتیم و یاد دست داشتن تفنگ پسر عمومی خود را که راننده کامیون بوده به قتل رساندیم. بنابه این گزارش، متهمان برای تحقیقات بیشتر به دستور باز پرس پرونده در اختیار ماموران پلیس آگاهی آبادان قرار دارند.

مرگ تلخ دختر نوجوان سیستانی با بخاری نفتی!

دختر نوجوانی در شهرستان زهک در پی سوختگی ناشی از حریق چراغ نفتی جان باخت. آیت الله قره گوزلودر این باره اظهار کرد: عصر روز گذشته در پی تماس تلفنی شهروندان مبنی بر مرگ مشکوک دختری نوجوان در روستای «ندام غربی» بلافاصله ماموران انتظامی بخش جزینک در محل حادثه حاضر شدند. فرمانده انتظامی شهرستان زهک افزود: با بررسی های میدانی مشخص شد دختری ۱۷ ساله در حال بر کردن مخزن چراغ نفتی بوده، که مقداری از نفت بر روی شعله آتش و لباسش ریخته و با شعله ور شدن آتش در حریق گرفتار می شود. وی تصریح کرد: مصدوم حادثه توسط اعضای خانواده به بیمارستان امیرالمومنین (ع) شهر زابل منتقل شد که متأسفانه به علت شدت جراحات بالا با وجود تلاش های تیم پزشکی فوت کرد. قره گوزلو خاطر نشان کرد: جسد با هماهنگی قضائی به سردخانه منتقل و پرونده قضائی در این رابطه برای بررسی های بیشتر تشکیل شد.

زورگیری از ۲ پستی در خرمشهر

رئیس اداره پست خرمشهر از خفت گیری ۲ پستچی در خرمشهر خبر داد. قادر ابلفی رییس اداره پست خرمشهر گفت: در دو هفته گذشته ۲ نفر از پستچی های اداره پست خرمشهر به صورت جداگانه خفت شدند. وی عنوان کرد: ۳ موتورسوار کردند و حدود ۲ میلیون تومان و یک تلفن همراه گران قیمت را به سرقت بردند. رئیس اداره پست خرمشهر گفت: این اتفاق را به مسؤولان امنیتی و انتظامی خرمشهر اطلاع دادیم و مسؤولان مربوطه در حال پیگیری این موضوع هستند. ابلفی عنوان کرد: موبایل به سرقت رفته را استعلام مخابراتی کردیم تا در صورت استفاده از آن ماموران امنیتی مطلع شوند. وی اظهار کرد: از مسؤولان شهرستان درخواست کردیم که با این افراد ضرور برخورد کنند تا اعتماد مردم نسبت به مأموران پستی چی و نحوه انتقال محصولات وامانات مردم خدشه دار نشود.

ماشین ۴۰ میلیونی اتراخردمی کنم. با شنیدن این حرف عصبانی شدم و بلافاصله به خانه برگشتم و دیدم چند نفری آنجا ایستاده اند که باهم درگیر شدیم. من باقمه خودروی زانتیای مقتول را تخریب کردم. سپس برادر مقتول نزدیک شد و از پشت سر مرا گرفت و به طرف جلو هل داد. دوازدهم صورت او را نگاه می کردم که دیدم چه اتفاقی افتاده است.

سپس همسر مقتول در اعتراض به حرف های قاتل گفت: مجید کارش را با روزنامه عصر تمدن در سال ۱۷۸۸ آغاز کرد و بعد از آن هم در چند مجله فعالیت می کرد. نشریه شمارش ابتدا جدول بود، اما چند سال پیش با پیگیری مجید به نشریه اجتماعی و سیاسی تبدیل شد، اما با مرگ او این مجله تعطیل شد. در این مدت مجید فقط در کار مطبوعات فعالیت و سابقه زیادی در این عرصه داشت. حرف هایی که متهم درباره شوهرم ادعا می کند در شخصیت و اخلاق او نیست، شوهرم مرد آرامی بود.

سپس برادرزاده مهدی نیز به دفاع پرداخت و منکر ضرب و جرح شد. بنابه این گزارش، در پایان این جلسه هیات قضایی وارد شور شد و با توجه به مدرک های موجود در پرونده مهدی را به قصاص و برادرزاده اش را نیز به زندان محکوم کرد.

شروع به فحاشی کرد که برادر همزمان موقع بامن تماس گرفت و درخواست کمک کرد. وقتی خودم را به آنجا رساندم همسر برادرم حال خوبی نداشت که ما مجبور شدیم با اورژانس تماس بگیریم. وی ادامه داد: در راه پله منتظر اورژانس بودیم که مهدی بار دیگر دعوا را شروع و باقمه حمله کرد. او یک ضربه به سرم زد و در حالیکه روی زمین افتاده بودم برادر و برادرزاده اش نیز به طرفم آمدند و سه نفری مرا کتک زدند. همین هنگام برادرزن مجید آمد که متهمان او را نیز کتک زدند. آنجا بود که مجید سراسیمه از پله ها پایین آمد و مهدی با دیدن او چاقویی که در دستش بود را در سینه برادرم فرو برد و با یک موتور فرار کرد. در ادامه برادرزن مقتول نیز روبه روی قضاات ایستاد و به خاطر ایراد ضرب و جرح برای متهمان درخواست مجازات کرد.

در ادامه وقتی مهدی روبه روی قضاات ایستاد بار دیگر جرمش را انکار کرد.

وی گفت: آن روز بعد از اینکه با مقتول درگیر شدم به سوئیتم رفتم و طبق عادت مشروب خوردم. بعد به مغازه برادرم رفتم که او نبود سپس با کارگرش شیشه کشیدم. در همین هنگام مقتول تماس گرفت و گفت



اتهام کلاهبرداری شکایت خواهد کرد. مرد جوان ادامه داد: ترسیده بودم و از زن جوان خواستم تا به صورت حضوری همدیگر املاقات کنیم که در ادامه وی به جلوس مترو جوانمرد قصاب آمد و سوار بر خودرویم شد. سعید گفت: در طول مسیر حرکت به سمت محل کار خانم دکتر از ایشان درخواست مهلت دوباره کردم، اما ایشان دیگر حاضر به دادن فرصت نبود و مجددا تهدید خود مبنی بر طرح شکایت را تکرار کرد، در یک لحظه کنترل خودم را از دست دادم و با فشار دادن گلولی خانم دکتر، او را خفه کردم.

ترسیده بودم و بی هدف به مسیر خود ادامه دادم تا از شهر خارج شدم و وارد مسیر فرودگاه امام خمینی (ره) شدم و در محل خلوت جسد را از ماشین پیاده کرده و پس از ریختن بنزین روی جسد دندانیپزشک جوان اقدام به آتش زن جسد کرده و سپس سوار بر خودرویم پا به فرار گذاشتم و در این مدت فکر نمی کردم دستگیر شوم. بنابه این گزارش، متهم برای تحقیقات بیشتر به دستور رییس شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی و انقلاب فشافویه در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است.



در ادامه زن میانسال نیز در جایگاه ایستاد و با انکار جرمش گفت: در قتل نقشی نداشتم و پسرم دروغ می گوید. او خودش نقشه قتل را کشید و به تنهایی مرگت قتل شد.

در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد و با توجه به مدارک های موجود در پرونده پسر جوان را به قصاص و مادرش را به ۱۸ سال زندان محکوم کرد. دیروز این حکم در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد و قطعی شد.

دستگیر کردند. مهدی در بازجویی ها گفت: وقتی با مقتول درگیر شدم، برادرش و برادرزن او دخالت کردند و مرا کشیدند. وقتی برگشتم دیدم چاقو در سینه مقتول فرو رفته است ولی نمی دانم چطور این اتفاق افتاد.

در دادگاه

در حالی که مهدی اصرار به بی گناهی داشت کیفرخواست صادر شد و او پای میز محاکمه ایستاد. در جلسه رسیدگی به این پرونده که در شعبه دوازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی تولیت و و با حضور دو مستشار بر گزار شد اولیای دم که پدر و مادر و دودختر مقتول بودند درخواست قصاص کردند.

سپس برادر مجید در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: مهدی یک سوئیت غیرمجاز در پارکینگ ساخته بود و آنجا رفت و آمدهای مشکوک داشت و مشروب و مواد مخدر نیز مصرف می کرد.

وی افزود: از آنجایی که برادرم، دو دختر نوجوان داشت این قضیه برایش مهم بود به همین خاطر بارها به او تذکر داده بود تا آن سوئیت را خراب کند.

اما او توجهی نداشت تا اینکه برادرم از او شکایت کرد و روز حادثه متهم با دیدن بر که شکایت عصبانی شد و



مقتول مدیر عامل نشریه شمارش بوده و در طبقه چهارم ساختمان زندگی می کرد.

این شاخه نشان داد مجید مدتی قبل بر سر احداث اتاقکی در پارکینگ ساختمان با مرد همسایه اختلاف داشته و علت درگیری روز حادثه نیز همین موضوع بوده است.

۵ ماه بعد

سرانجام مأموران قاتل را پنج ماه بعد از حادثه در مخفیگاهش در باغی در غرب تهران، شناسایی و

بررسی ها نشان می داد قربانی مجید ۵۰ ساله است که در جریان نزاع و درگیری با مرد همسایه بر اثر ضربه چاقو به سینه اش به قتل رسیده است.

فرار قاتل آشنا

در اولین گام از تحقیقات مشخص شد قاتل به نام مهدی ۴۵ ساله بعد از حادثه فرار کرده است و این در حالی بود که در این درگیری مرگبار برادر و برادرزاده او نیز حضور داشتند.

همزمان با دستگیری همدستان قاتل تحقیقات پلیسی نشان داد

گروه حوادث: مردی که یک روزنامه نگار را در همسایگی شان به قتل رسانده است قصاص خواهد شد. قربانی جنایت خونین مدیرمسئول یک نشریه در تهران بود که بخاطر درگیری بر سر مسائل ساختمان از پای درآمد.

جنایت در یوسف آباد

بیستم اردیبهشت سال ۹۶ به دنبال مرگ مشکوک مردی تیمی از مأموران کلاتری ۱۲ یوسف آباد وارد عمل شدند...

خبر

قاتل اعتراف کرد

قتل و سوزاندن خانم دندانیپزشک در پایتخت

تیم جنایی پلیس آگاهی تهران در این مرحله با بررسی دوربین های مدار بسته جلوی مترو جوانمرد قصاب موفق به شناسایی صاحب خودروی پرشپای سفید رنگ شدند و در عملیاتی غافلگیرانه، صاحب خودرو که سعید نام دارد دستگیر شد.

سعید ابتدا خود را در ماجرای قتل بیگناه می دانست اما وقتی در برابر تصاویر دوربین مدار بسته قرار گرفت به ناچار لب به سخن باز کرد.

اعتراف به قتل

سعید در اعترافش گفت: چندی پیش سهامی به مبلغ ۱۲۰ میلیون تومان خریدم و پس از مدتی به پشتوانه سهام، یک وام ۶۰ میلیون تومانی دریافت کردم که پس از مدتی تصمیم به فروش سهام خود گرفتم و بواسطه یکی از دوستان سهام را به خانم دکتر فروختم و زن جوان نیز همه پول سهام را پرداخت کرد. وی افزود: در زمان انتقال سهام به خانم

بودر و بر شدند. در این مرحله مهران هدف تحقیق قرار گرفت و خیلی زود مشخص شد جسد سوخته، همسر مهران است. مهران در اظهاراتش به ماموران گفت: همسرم پزشک یک دندانیپزشکی است و صبح روز ۲ دی ماه برای رفتن به محل کارش از خانه خارج شد و خودروی آژانس به محل کارش رفت اما پس از چند ساعت وقتی با محل کار همسرم تماس گرفتم متوجه شدم وی هنوز به مطب نرفته و کسی از او اطلاع ندارد.

کارآگاهان در این مرحله به سراغ راننده آژانس رفته و متوجه شدند که زن جوان در تماس تلفنی با مردی مشاجره لفظی پیدا کرده و در ادامه زن جوان از راننده خواسته تا او را به ایستگاه مترو جوانمرد قصاب برساند که در این صحنه زن جوان در جلوی مترو و جوانمرد قصاب سوار بر خودروی پرشپا سفید رنگ یک مرد جوان راننده آن بود شده و از محل دور شده است.

گروه حوادث: دندانیپزشک زن در یک معامله خرید سهام از سوی مرد عصبانی به قتل رسید و جسدش به آتش کشیده شد.

عقر به ساعت ۱۱ شب یکشنبه ۲ دی ماه سال جاری رانشان می داد که ماموران کلاتری ۱۷۶ حسن آباد در جریان پیدا شدن یک جسد سوخته در زمین کشاورزی در منطقه فشافویه قرار گرفتند.

ماموران با حضور در محل حادثه با جسد زنی قرار گرفتند که از شدت سوختگی قابل شناسایی نبود و همین کافی بود تا تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران و تیم تشخیص هویت به دستور رئیس شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی و انقلاب فشافویه برای تحقیقات ویژه وارد عمل شدند.

جسد خانم پزشک

کارآگاهان در گام نخست به سراغ پرونده های فقدان رفته و در همین ابتدا با پرونده یک زن ۴۰ ساله که همسرش با حضور در کلاتری ۱۲۶ تهرانپارس از ناپدید شدن همسرش خبر داده

پسر پدر کُش اعدام می شود

جزئیات دستور مادر به پسر برای قتل پدر

من احتیاج دارم. از آنجائی که پدرم مرد قوی هیکلی بود قرار شد وقتی او را یکشیم که در خواب سنگین است.

روز قتل

پسر جوان در تشریح جزئیات قتل گفت: مادرم دستکش، دمبل و مقداری اسید تهیه کرده بود. روز حادثه روی تخت خوابم دراز کشیده بودم. برای یک لحظه دوباره بیماری آسم در من تشدید شد و داشتم نفس نفس می زدم که مادرم بالای سرم آمد. او یک جفت دستکش چند لایه دستم کردم و وزنه دمبل کنار یخچال را به دستم داد. او گفت چون پدرم قوی هیکل است و ممکن است دمبل را از دستم بگیرد به همین خاطر دمبل را با یک دستبند پلاستیکی به دستم بست. وقتی به طبقه پایین رفتم، با اشاره مادرم دمبل را به سر پدرم زدم. من سپس آنقدر به سر او ضربه زدم که صورتش خونی شد. مادرم پاهای او را بسته. ما وقتی از مرگ پدرم مطمئن شدیم جنازه را داخل قتل دو کیسه پیچیدیم آن را با آژانس به ورامین بردیم و در بیابان رها کردیم.

انکار مادر

با اعترافات تکان دهنده پسر جوان مادرش به نام اکرم نیز بازداشت شد اما ادعا کرد در قتل شوهرش دستی

گروه حوادث: پسر جوان که با همدستی مادر دست به قتل پدرش زده است بزودی اعدام می شود. حکم قصاص این پسر دیروز در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد و قطعی شد.

پدر گمشده

یکم شهریورماه سال ۹۶ خبر ناپدید شدن مردی به نام نادر از سوی خانواده اش به پلیس اعلام شد و مأموران تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کردند.

دسیسه مادرانه

در حالیکه چند روز از اعلام گمشدن این مرد گذشته بود، فرزند مقتول به نام نیما در تحقیقات لب به اعتراف گشود و به قتل پدرش اعتراف کرد. وی گفت: پدرم دو سال و نیم بیکار بود و خانه نشین شده بود. او از خانه بیرون نمی رفت. او فقط زمانی از خانه خارج می شد که مادرم مهمان داشت. او حتی در خانه را هم به روی کسی باز نمی کرد. این رفتار ها سبب شد تا مادرم از دست او کلافه شود و با حرف هایش مرا وسوسه کند تا پدرم را به قتل برسانم.

وی ادامه داد: یک روز مادرم با من حرف زد و گفت وسایل لازم برای کشتن پدرم آماده کرده و فقط به کمک